

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۳

معرفی شرح گلشن راز از شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی رومی

(۲۴۹-۲۶۳)

منوچهر اکبری^۱، عبدالله حسن محمد الکبسی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

شیخ مظفر الدین شیرازی متوفی ۹۲۲ ه.ق، بر مبنای روایت اجمالی که در تذکره‌های مختلف ثبت گردیده است یکی از شاگردان ملا جلال الدین محقق دوانی و صدر الدین شیرازی بود او در علم کلام یگانه عصر خود بود. از شیراز به حلف و سپس به بلاد روم کوچ کرد. وی آثاری همچون شرح تهذیب المنطق از تفتازانی، شرح فصوص الحکم ابن عربی، رساله برهان التمانع یعنی تفسیر آیه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ الأنبياء: ۲۲، تفسیر آیه ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ..﴾ البقره آیه ۲۳، حاشیه بر کتاب اقلیدس، حواشی بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیر الدین طوسی، حواشی بر مطالع فخر رازی، شرح الکافیة از فخر رازی، حاشیه بر شمسیه علاوه بر گلشن راز شبستری دارد. مهمترین آثار وی عبارت است از شرح گلشن راز شبستری که در سال ۸۹۱ ه.ق نگاشته و آن را به سلطان بایزید بن مراد عثمانی اهدا کرده. این شرح نسبتاً مبسوط و حاوی یک دیباجه و مقدمه‌ای مشتمل بر ۲۶ حقیقت عرفانی است، تعداد ابیات که در شرح ذکر شده ۱۰۰۵ بیت می‌باشد. در این مقاله ما به چکیده‌ای از محتوای این رساله خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها: شیخ مظفر الدین، شرح گلشن راز، محمود شبستری، حقیقت

^۱ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

^۲ فارغ‌التحصیل دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران kebsi_hw@yahoo.com

مقدمه

اطلاعات ما درباره زندگی و تاریخ شیخ مظفر منحصر در روایات کوتاهی است که در تذکره های مختلف ثبت گردیده است که این مقدار نیز به سبب اختصار، چندان راهگشای ما در بررسی جزئیات نمیباشد، این اطلاعات بیشتر از روی تذکره های مقدم به تذکره های متاخر راه یافته است، و تکرار روایات و شباهت آنها در تذکره ها گواه بر این است، این تذکره ها عبارتند از:

در/الحب، جزء دوم قسم اول ص ۹۳۳

شقائق نعمانیه، صفحات ۲۷۸ تا ۲۷۹

اثر آفرینان، ص ۲۵۳

معجم المؤلفین، ص ۲۰۴

الکواکب السائره، قسمت ۵۳۱

سلم الوصول، ص ۴۰۵

مشاهیر عثمانیه، ص ۴۹۹

سر نوشت شیخ مظفر الدین شیرازی

نام او علی بن محمد ابن علی شیرازی عمری شافعی رومی معروف به مظفر الدین (بنا به قول وی در رساله تفسیر آیه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ الأنبياء: ۲۲) و ملقب به مظفر الدین (بنا به قول در/الحب) است. وی را با عناوین چون عالم عامل و فاضل کامل (شقائق/النعمانیه) و عالم کامل و منطقی بزرگ (اثر آفرینان) ستوده اند. او ساکن شیراز بود. وی میگفت که جدش شیخ نجیب الدین علی ابن رعن (الکواکب السائره) و بنا بر قول ابن الحلبي صاحب در/الحب شیخ مظفر ادعا میکرد که جدش شیخ نجیب الدین علی ابن دغش شیرازی یکی از خلفای شیخ شهاب الدین عمر سهروردی بوده است و اینکه شیخ شهاب الدین وی را برای هدایت خلق به شیراز فرستاد و نیز ابن الحلبي گفته: نوشته ای به دست شیخ مظفر دیده که حاکی بر مطلب اخیر است (در/الحب). مظفر الدین نزد ملا جلال الدین دوانی و ملا صدر الدین شیرازی و علماء دیگر به تحصیل علوم شرعی، حساب، هیئت، هندسه و کلام پرداخت و در علوم متداول زمان خویش تبحر یافت (اثر آفرینان). وی کتاب اقلیدس در فن هیئت را نزد امیر صدر الدین شیرازی خواند و بر آن حاشیه ای برای حل مشکلاتش نگاشت (اثر آفرینان). وی در علوم مختلف تبحری داشت و از همدرسه های وی با تألیف حواشی بر شرح تجرید و شرح مطالع گوی سبقت را از هم روزگاران خود ربود و شهرت علمی افزونی یافت (الشقائق/النعمانیه). در علم کلام و منطق بر استاد خود علامه جلال الدین دوانی پیشی جست که در این زمینه علامه جلال الدین میگوید: «اگر منطق جسم داشت آن جسم مظفر الدین شیرازی بود.» وی با دختر ملا جلال الدین دوانی ازدواج کرد و در شیراز به مظفر داماد شهرت یافت (سلم/الوصول). در شیراز مدرسه ای بود که واقف آن، آن را به فاضلترین علمای آن دوران واگذار نموده بود. جلال الدین دوانی در این مدرسه تدریس میکرد و چون ملا جلال الدین دچار بیماری شد مظفر الدین را به جای خویش به

تدریس گماشت *(الشقائق النعمانية)*. شیخ مظفر بعد از وفات ملا جلال الدین دوانی و ملا صدر الدین شیرازی *(سلم الوصول و الشقائق النعمانية)*، بعد از اتفاقات سیاسی که در آن دوران در شیراز رخ داد *(الشقائق النعمانية)* در سال ۹۱۶ هـ ق به سمت حلب مسافرت کرد و نزد قبیله بنی المرعشی اقامت گزید *(در الحبيب)* و به تعلیم علوم پرداخت، همچنین گروهی از بنی مرعشی برای تحصیل نزد وی آمدند. از آنان میتوان به شمس بن بلال اشاره نمود که به تحصیل درس مطول در باب فصل و وصل نزد وی پرداخت. در این مدت شیخ مظفر حواشی بر کافیّه و شافیّه نوشت *(در الحبيب)*. وی به دلیل گرفتاری و سختیهای زندگی تصمیم گرفت که به بلاد روم مسافرت کند. جمعی از اهل علم نزد او آمده از او خواستند تا برای استفاده طلاب از محضر درس وی برغم تنگی معیشتی که با آن مواجه میشد در حلب باقی بماند، شیخ مظفر در پاسخ به گفته اهل علم که با تمسک به حدیث قناعت گنج تمام نشدنی است قصد آن را داشتند تا شیخ مظفر را از رفتن به بلاد روم منصرف کنند، گفت اری اما به یک چیز کم، میشود قانع شد نه به ناچیز، پس از آنکه درخواست آنان را نپذیرفت مهبای سفر به دیار روم گردید. *(در الحبيب)*. و به قاضی ابن المؤید که از همدرسیهای وی در شیراز بود پیوست *(سلم الوصول)*. ابن المؤید که در دیار روم به رتبه قاضی عسکر رسیده بود از شیخ مظفر استقبالی تمام کرد و مقدم او را گرامی داشت. و وی را نزد سلطان بایزید برد. شیخ مظفر شرحی که بر منظومه گلشن راز نوشته بود به سلطان بایزید تقدیم کرد و بر مبنای شهرتی که وی در فضل و علم داشت سلطان بایزید (م. ۹۱۸ هـ) مدرسه مصطفی پاشا، که یکی از هشت مدرسه قسطنطنیه آن دوران بود را به او واگذار کرد. شیخ مظفر دانشمند و شاعری *(مشاهیر عثمانیه)* سلیم النفس صاحب عقیده نیک و پاک و به خود مشغول بود، به معاش اندک راضی، و فقر را بر ثروت و دارایی ترجیح میداد. او مال خود را برای محتاجان و فقیران خرج میکرد. با زهد وقناعت زندگی میکرد. بعد از مدتی دچار بیماری چشم شد و بینائی خود را از دست داد. وی از تدریس عاجز شد و سلطان سلیم خان برایش ۶۰ درهم روزانه به عنوان نفقه بازنشستگی مقرر کرد *(الشقائق النعمانية)*. بعد از این ماجرا وی به شهر بروسا مسافرت کرد و در آنجا اقامت گزید تا در سال (۹۲۲ هـ) به ندای حق لبیک گفت. در روایتی دیگر چنین آمده است که وی به سبب ابتلا به بیماری طاعون در سال ۹۱۸ هـ درگذشت *(در الحبيب)*. (به نظر میرسد روایت دوم دور از حقیقت باشد چرا که سلطان سلیم خان یک سال پس از این تاریخ، یعنی در ۹۱۹ به حکومت میرسد؛ و مظفر الدین شیرازی شرح آیه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ *(الأنبياء: ۲۲)* را به وی تقدیم میکند). شمس بن بلال از شیخ مظفر الدین حکایت میکند که وقتی نزد وی درس میخواند برای او لطائف بی شمار تعریف میکرد و همچنین حکایت میکند که بعد از درگذشت شیخ مظفر وی را در خواب دید و از وی پرسید که عالم قبر را چگونه دیدی پاسخ داد که همانطور که در شرح عقاید ذکر شده است *(در الحبيب)*.

آثار و نوشته‌های شیخ مظفر

تذکره‌های مختلف از کثرت آثار شیخ مظفر حکایت میکند. اما تاکنون در کتابخانه‌ها و از میان نسخه‌های خطی، تنها سه اثر از آثار علمی شیخ مظفر شناخته شده است. از این سه اثر، دو اثر بنا بر

آنچه نزدیکان و معاصران شیخ مظفر نقل می‌کنند، به وی منسوب شده است و او صرفاً در تفسیر آیه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ الأنبياء: ۲۲ اسم خود را ذکر کرده است. دو اثر دیگر وی از طریق شهرت کتاب بر مبنای اهداء، مانند شرح گلشن راز که چون به سلطان بایزید شده، شهرت یافته‌اند. اهداء اثر سوم وی عبارت است از تفسیر آیه (وان كنتم ...) که در ادامه، به تفصیل بدان خواهیم پرداخت.

۱- شرح تهذیب المنطق تفتازانی

در فهرست کتابخانه سلیمانیة نسخه‌ای به شماره ۰۰۰۸۴۶ موجود می‌باشد. محتوای این نسخه شرح تهذیب المنطق است و مؤلف این شرح همانطور که در فهرست کتابخانه نوشته شده است، مظفر الدین علی بن محمد شیرازی می‌باشد. در واقع این نسخه شامل دو شرح می‌باشد: شرح اول که در اصل صفحه‌های نسخه قرار دارد از عبد الرحمن شیرازی است. این شرح در دیباچه آن به مظفر السلطنه سلغر اهدا شده است. شرح دوم که در حاشیه نوشته شده از شیخ مظفر می‌باشد، اما دیباچه یا نامی از مظفر الدین شیرازی در این شرح وجود ندارد. آغاز شرحی که در حاشیه نوشته شده است چنین است: «البسط علی نوعین: بسط جمع و بسط اضافی؛ فالاول هو الذی لیس له جزء اصلا والثانی هو الذی لا یكون له جزء...». پایان این شرح به دلیل ترمیم نسخه بر روی آخرین صفحه نسخه خطی کاغذی سفید چسبانده شده و نمی‌توان آن را پایان این شرح به حساب آورد.

۲- شرح فصوص الحکم ابن عربی

صاحب کشف الظنون ذکر کرده که شیخ مظفر یکی از شارحان فصوص الحکم است (کشف الظنون جلد ۲ ص ۱۲۶۳). اما از این شرح هیچ اطلاعاتی در دست نداریم و هیچ نگاشته‌ای از این شرح به نام شیخ مظفر الدین چه در فهرستواره‌ها و فهرست‌های ایران و چه در فهرستواره‌ها و فهرست‌های کشور ترکیه تا به امروز ذکر و ثبت نشده است.

۳- رساله برهان التمانع یعنی تفسیر آیه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ الأنبياء: ۲۲

تنها نگاشته‌ای که شیخ مظفر اسم خود را در آن ذکر کرده، همین تفسیر است. شیخ مظفر تفسیر این آیه را به سلطان سلیم اهداء کرده است. وی در تفسیر این آیه از سه جهت بحث کرده است:

۱- بررسی این آیه از جنبه ترکیب علوم عربی.

۲- استدلال این آیه بر مبنای علم کلام.

۳- استدلال آیه بر مبنای فلسفه مشائیان.

نسخه خطی این تفسیر در کتاب خانه سلیمانیة استانبول کشور ترکیه وجود دارد.

اول نسخه اینگونه شروع میشود:

«الحمد لله قیوم الارض و السماء المتوجد لوجوب الوجود و البقاء، محیی رقاب العاظم بعد الموت و الفناء. المنفرد بداوم العظمه و العلا و الصلاة و السلام علی سید الانبیاء و سند الاصفیاء محمد و آله و

صحابه الصلاه الدائمہ الی یوم العدل و القضا. و بعد فیقول الفقیر الی اللہ اولی علی بن محمد بی علی المعروف بہ مظفر شیرازی اوراق اللہ اغصان الامالہ بنبی و آلہ...»
سطر پایانی نسخه چنین خط میشود:

«لم یوجد الممكن كما برهن عليه فيلزم فساد السماء و الارض مع أنه خلاف نظام المشاهد الدال علی وجود اله خالق لهما علیم قدیر و واحد و اللہ اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب. هذا ما تیسر لی من العروج علی معارج التحقیق ما فی الایة الکریمة و صلی اللہ علی سیدنا محمد و آلہ اجمعین آمین. تم»

تاریخ کتاب و نام کاتب این نسخه در پایان ذکر نگردیده است
بدون تاریخ و بدون کاتب.

۴- تفسیر آیه ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ..﴾ البقره آیه ۲۳.

این رساله در نسخه خطی مجموعه شماره ۸۱۹ (کتابخانه مروی) موجود است (فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران). در بالای صفحه اول این رساله چنین نگاشته شده است: «هذه رسالہ صاحبنا مظفر الدین الشیرازی فی قوله تعالی ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا..﴾ الآیه» البقره آیه ۲۳. همچنین در حاشیة این صفحه اشاره ای هست مشعر بر اینکه این رساله در کشکول شیخ بهایی و در حواشی المطول مثل حاشیة سمرقندی و حاشیة حلی نگاشته شده است. همچنین در این حاشیة نوشته شده است که این مسأله کاملاً در حاشیة عبد الحکیم بر تفسیر بیضاوی ذکر شده و کاتب آن علی شیرازی در تفسیر بیضاوی می باشد. شیخ مظفر در این رساله به بررسی تفسیر زمخشری در الکشاف، تفسیر تفتازانی در شرح الکشاف و تفسیر ثعلبی در کشف البیان بر این آیه به طور جداگانه پرداخته و سپس تفسیر و نظر خود را اظهار کرده است. شایسته ذکر اینکه این رساله در کشکول شیخ بهایی چاپ شده است و متنی که در کشکول چاپ شده کاملتر است چون نسخه این رساله در یکی از مجموعه های کتابخانه مدرسه مروی فاقد دیباچه است. (کشکول شیخ بهایی، جلد ۲، ص ۱۷۱ تا ۱۸۴). آغاز و پایان این نسخه ناقص است.

شروع نسخه:

«قال صاحب الکشاف عند تفسیر قول اللہ عزوجل ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا..﴾ الآیه» (البقره: ۲۳)

در انتها نسخه با این سطر پایان می یابد:

«و خامسها انا لو صرفنا الضمیر الی محمد صلوات اللہ علیہ و آلہ لکن ذلک یوهم أن صدور المثل القرآن عم لا یکن مثل محمد (ص) فی کونه عمیا لیس ممتنعاً و لو صرفناه الی القرآن لدل ذلک...» (ناقص).

۵- حاشیة بر کتاب اقلیدس

در علم هندسه. شیخ مظفر در این حاشیه به حل مشکلات اقلیدس می‌پردازد. صاحب کتاب شقایق می‌گوید: «این کتاب اقلیدس در علم هندسه را دیدم. شیخ مظفر این کتاب را از اول تا آخر نزد فاضل صدر الدین شیرازی خواند و بر آن حاشیه‌ای نوشت که فهمیدم وی در این علم مهارت والایی داشت» (نقل از الشقائق النعمانية). پس این اثر در شیراز و در زمان حیات فاضل صدر الدین شیرازی نوشته شده است. اما امکان تعیین تاریخ دقیقی برای این نگاشته بدون در دست داشتن نسخه ای از این کتاب امکان پذیر نیست. در جستجوی این اثر در فهرستواره های نسخه های خطی متأسفانه نامی از شیخ مظفر برده نشده است.

۶- حواشی بر تجرید (الشقایق النعمانية)

۷- حواشی بر مطالع (الشقایق النعمانية)

۸- شرح الکافیه (اثر آفرینان)

۹- حاشیه بر شمسیه (تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، جلد چهارم ص ۱۰۱)

از چهار اثر اخیر هیچ نسخه‌ای یافت نشد اما در منابع مذکور بدانها اشاره شده است.

۱۰- شرح گلشن راز شبستری

شیخ مظفر الدین شیرازی و گلشن راز

نگاشتن شرح گلشن راز

بر مبنای گفته‌ی مظفر الدین شیرازی در دیباجه شرحش بر گلشن راز شبستری آنجا که می‌گوید: «درویشی از اهل شهود، التماس شرحی نمود که به سمّت تنقیح، موسوم وبه رقم توضیح، مرسوم باشد. و چون مراقت طالبان طریق تحقیق، و موافقت شاربان رحیق توفیق، در ذمت همّت فقرای دین وبه شریعت مروت وفتوت، فرض عین است؛ التماس او را مبذول داشتم و رقمی چند، بر لوح ظهور و صفحه شعور نگاشتم»، معلوم میشود که شیخ مظفر بنا به التماس یکی از متصوفه این شرح را نوشته است اما از نام او اطلاعاتی در دست نیست.

تاریخ نوشتن شرح شیخ مظفر الدین بر گلشن راز

تاریخ شروع نوشتن این شرح مشخص نیست، اما با توجه به این سخن مظفر در پایان شرح خود مبنی بر اینکه «تم الشرح فی عام افصح عنه فیاض والاعتماد علی منتهی سلسله الجواهر والاعراض». میتوان گفت که بر مبنای دلالت ابجدی حروف واژه فیاض بدون تشدید به تاریخ ۸۹۱ رسید. همچنین بر مبنای تاریخی که کاتب این نسخه حسن الهادی الحسینی الیزدی در پایان این نسخه آورده، این نسخه در سال ۸۹۶ هـ ق نگاشته شده است. پس تاریخ اتمام این شرح که سال ۸۹۱ ذکر شد نمیتواند دور از حقیقت باشد.

نظر شیخ مظفر درباره آرای صوفیه

شیخ مظفر شافعی مذهب است و همان طور که قبلاً ذکر کردیم وی دانشمند علم کلام ومنطق است. بر مبنای گفته‌ی وی در این شرح: «و چون مجموع این کتاب، بر وفق مشرب ناظم خواهد بود و فقیر،

پرده از چهره اعتقاد خود نخواهد گشود، اگر سخنی مخالف کتاب وسنت یابی، باید که عنان اذعان از صوب آن برتابی» معلوم میشود که شیخ مظفر نسبت به افکار صوفیه نظر خاصی دارد، اما همانطور که ذکر کرده این نظر را مطرح نمیکند زیرا که این شرح بر مبنای مذهب ناظم یعنی شیخ محمود شبستری است، نگاشته است.

معرفی نسخه های خطی شرح مظفر الدین شیرازی بر گلشن راز

اولین کسی که در میان نسخه های خطی شرح گلشن راز شیخ مظفر الدین شیرازی از نسخه کتابخانه مجلس ۱۴۹۱۴ خبر داده، استاد فاضل دکتر سید منصور طباطبایی، استاد دانشگاه تهران میباشد. فهرست نویسان و محققانی چون گلچین معانی و علی نقی منزوی آن را با نسخه ایاصوفیه شبیه میدانستند، بدون آنکه ذکری از شارح بیاورند. لذا تنها نسخه مورد اشاره در فهرست ها نسخه ایاصوفیه بوده است، در این نسخه نیز ذکری از نام شیخ مظفر شیرازی نیامده است، اما به دلیل آنکه در صفحه اهدای این نسخه آمده است که این نسخه به سلطان بایزید اهداء میشود، همه فهرست نویسان متفق القول بوده اند که این شرح از آن شیخ مظفر شیرازی است. لذا شناسائی سایر نسخه ها نیز بر اساس این نسخه در ایاصوفیه صورت گرفته است. دکتر منصور طباطبائی برای نخستین بار متوجه شدند که نسخه موجود در کتابخانه مجلس نیز از شرح گلشن راز شیخ مظفر می باشد و نه نسخه ای شبیه به نسخه ایاصوفیه. نسخه دیگری که در ایران موجود است و گفته شده گویا از مظفر الدین شیرازی می باشد، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۱۸۹۷۵ به عنوان شرح گلشن راز/ است. در شناسه کتاب نگاشته شده که گویا از شاه مظفر الدین علی شیرازی است.

اولین نسخه خطی که از این شرح در زمان حیات مؤلف نوشته شده، همان نسخه ای است که کاتب آن حسن الهادی الحسینی الیزدی آن را در سال ۸۹۶ هـ ق ظاهراً از نسخه نوشته شده به دست شیخ مظفر استنساخ کرده است. در این تاریخ و تا سال ۹۱۶ هـ ق که شیخ مظفر در ایران به کارهای علمی مشغول بوده، و پیش از مسافرت به حلب و ترکیه آن را نگاشته، از همین روی در دیباچه این شرح ذکر شده که این نسخه بر مبنای التماس یکی از صوفیان وقت نوشته شده است. این نسخه در کتابخانه مجلس موجود است، و به شماره ۱۴۹۱۴ ثبت شده است. نسخه خطی دوم این شرح در سال ۹۱۶ یا ۹۱۷ هـ ق به رشته تحریر درآمده است. تنها تفاوت میان نسخه دوم و نسخه اول اهدای این نسخه به سلطان بایزید است که در دیباچه شرح نسخه دوم ذکر شده است. این نسخه در کتابخانه ایاصوفیه در شهر استانبول کشور ترکیه موجود است و به شماره ۹۱۲ ثبت شده است. باقی نسخ خطی این شرح که غالباً در کتابخانه های مختلف ایران و کشور پاکستان موجود هستند، از روی این دو نسخه استنساخ شده اند، و بر مبنای دیباچه این نسخه ها معلوم میشود که این نسخه های خطی بیشتر از روی نسخه اول نقل شده اند. دو نسخه به طور جدا گانه از شرح، و فقط متضمن دیباچه آن شرح در کتابخانه مسجد اعظم شهر قم و کتابخانه آستان قدس رضوی شهر مشهد موجود میباشند که از روی نسخه دومی در ترکیه موجود است، نگاشته شده اند. در ادامه به ذکر همه نسخه های خطی که تا اکنون شناسایی شده پرداخته میشود.

ویژگی‌های شرح مظفر الدین علی بن محمد شیرازی (م. ۹۲۲هـ)

شرح مظفر الدین شیرازی بر گلشن راز شرحی نسبتاً مبسوطی است. آغاز نگاشتن این شرح مشخص نیست اما در سال ۸۹۱ هـ به پایان رسیده است. این شرح بنا به التماس یکی از اهل شهود نوشته و در سال ۹۱۷ هـ به سلطان بایزید اهداء شده است. شیخ مظفر قبل از شروع به شرح ابیات گلشن راز به نگاشتن ۲۶ حقیقت عرفانی پرداخته است. این حقایق به توضیح بعضی جنبه‌های عرفان مانند فهم مسائل تصوف می‌پردازند و اصطلاحات مختلفی مانند ذات، تعین، وجود مطلق، وذات و آرای حکما، سیر و عالم مثال، کشف، فناء، تجلی، تکلیف، روح، معاد و امور اخروی را با استناد به آیات قرآنی و احادیث نبوی و عبارات عرفا و فلاسفه مورد بررسی قرار می‌دهند. پس از آن شیخ مظفر به تفسیر و شرح ابیات گلشن راز به دور از ایجاز و اطناب می‌پردازد، این شرح اگر چه معاصر است با شروحاتی که همزمان آن نوشته می‌شوند، اما جایگاه و اهمیتی خاص دارد. مهمترین ویژگی این شرح این است که شیخ مظفر استادی تمام عیار در علوم گوناگون بوده و مهارتی به سزا در رساندن اندیشه و معنای مورد نظر خود در قالب عباراتی ساده، مختصر و به دور از پیچیدگی داشته است. به تعبیر دیگر او در کلماتی اندک، توانسته ابیات گلشن راز به طور کامل شرح و تفسیر کند. مطالب تکراری در این شرح به چشم نمی‌خورد و اصولاً برای کسی نگاشته شده که زمینه عرفانی داشته است، لذا برخی از ابیات را که روشن‌تر هستند بدون شرح رها کرده تا خواننده خود به فکر و تأمل درباره آنها بپردازد و درگیر مفاهیم عرفانی شود. مخاطب این شرح کسانی هستند که حد اقل با معنی اصطلاحات عرفانی آشنا بوده یا از سیر و سلوک باخبر و دستی بر آتش عرفان دارند.

آغاز نسخه:

سپاس یکی را که غنچه حقیقت مقدسه اش در گلشن راز به احسن وجوه شکفته و وجه وجوب خود را در بزم شعور به پرده امکان نهفته.

ای باغ ظهور از تو گلشن گشته
آینه هستی ز تو روشن گشته
چون بحر وجودت به ازل موج زده
هر جا صفی خاص معین گشته

پایان نسخه: تم الشرح فی عام افصح عنه فیاض والاعتماد علی منتهی سلسله الجواهر والاعراض.
اللهم انی استغفرک واتوب الیک عما رقمه بنانی او دخل تحت بیانی او لاحظه جنانی مخالفاً للشریعة
او معانداً للطریقه او منافیا للحقیقه فانک انت الغفور الرحیم ولا یخیب السائلین الکریم .
کاتبه حسن الهادی الحسینی الیزدی فی سنه ۸۹۶

مهمترین نسخه‌های خطی شرح شیخ مظفر الدین بر گلشن راز شبستری

از شرح مظفر الدین بر گلشن راز حدود بیست و دو نسخه خطی در ایران و کشور های دیگر وجود دارد. پانزده نسخه خطی از آن در کتابخانه‌های شهرهای مختلف ایران نگهداری میشود و هفت نسخه

خطی در خارج ایران که یکی از آن در کتابخانه ایا صوفیه شهر استانبول کشور ترکیه و چهار نسخه در کشور پاکستان و دو نسخه در وینفیلد که دو میکروفیلم از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. مهمترین و قدیمیترین این نسخه‌های خطی دو نسخه است که در زمان حیات مؤلف نگاشته شده‌اند، این دو نسخه بدین قرار است.

۱- نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۹۱۴ ثبت شده است. این نسخه اولین نسخه ایست که در حیات مؤلف نوشته شده است، و در سال ۸۹۶ هـ ق به رشته تحریر حسن الهادی الحسینی الیزدی استنساخ شده است. آغاز این نسخه وانجام آن همان طور است که در شرح مظفر الدین شیرازی قبل از ذکر شده است. (فهرست مختصر نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی - صفحه ۵۰۶ شماره ۴۷۳۳)

۲- نسخه خطی کتابخانه ایا صوفیه به شماره ۹۱۲ ثبت شده است. این نسخه در حیات مؤلف در سال ۹۱۶ یا ۹۱۷ هـ ق نوشته شده و به سلطان عثمانی بایزید اهدا شده است. آغاز این نسخه و انجام آن همان گونه است که در شرح مظفر الدین شیرازی قبل از ذکر شد.

نمونه های از حقایق عرفانی که شیخ مظفر الدین در مقدمه شرح خود آورده است.

شیخ مظفر در مقدمه خویش بر این شرح ۲۶ حقیقت عرفانی را ذکر کرده است. در حقیقت سبک طرح این حقائق گواه روشنی بر مقام استادی شیخ مظفر در علم کلام است و همچنین بر توانایی بی نظیر وی در بیان مفهوم طولانی در لفظ وجیز، دلالت دارد و در این مقام پنج حقیقت راجع به فهم مسائل تصوف، ذات موجود، حجاب، انسان صغیر و انسان کبیر به عنوان نمونه ذکر میشود. **حقیقت:** فهم مسائل تصوف به عقل میسر نیست؛ تا قابلیت تو و جذبه حق نباشد و دیده دل به سرمه مشاهده مکحل نشود، ادراک این آسرار چشم نتوان داشت.

شعر

عقل سل سايه حق بود حق آفتاب	سایه را با آفتاب حق چه تاب
عقل خود شهنه است چون سلطان رسید	شهنه بیچاره در کنجی خزید
اندریمن ره گر خرد ره بین بندی	فخر رازی راز دار دین بندی
لیک چون من لم یذق لم یدر بود	عقل و تخیلات او حیرت فزود

و آنچه مکشوف اولیاست، در عبارت نمی گنجد و اشارت نمی تابد و هر چه برای اظهار آن حقایق گویند سبب خفا شود؛ و لهذا گفته اند «إظهارُ سرِّ الرُّبُوبِيَّةِ كُفْرٌ».

حقیقت ذات موجود، به هیچ وجه معدوم نمیشود. مثلاً اگر چوب را میسوزی ذات او باقی است؛ و صورت او تبدل می یابد و به هیأت خاکستر ظهور میکند. و واجب الوجود یک ذات است که در جمیع احوال باقی و ثابت است. و ممکن الوجود صور و احوال که متبدل میشوند و ایجاد. (۴- الف) حق عالم را، ظهور نور او است به صور متعدده مختلفه که مشاهده میکنی. ﴿فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

بیت

هرچه بینی در جهان از خیر و شر	دو جهت دارد چو بگشایی نظر ^۱
ز آن یکی ما عندکم ینفد شنو	جز پی ما عنده باقی مرو ^۲
کوزه چون بشکست می‌گویی سفال	چون سفالش خاک شد بنگر تو حال
خاک می‌گویی کنون آن کوزه کو	معنی و صورت در اینجا بازجو
آن هیولی کین همه صورت بر اوست	هست بر جا این صور نقش سبو است
گر نداری ذوق و جدان ای فقیه	قول رندان گوش کن لا ریب فیه ^۳

حقیقت حجاب میان تو و حق، تعین است. چه تو حقیقت مطلقه، که تعینی خاص یافته ای و خود را مغایر او پنداری؛ هر گاه که تعین موهوم تو ملحوظ نشود، حق بماند و بس تعالی و تقدس.

بیت

گر تو برخیزی ز ما و من دمی	هر دو عالم پر ز خود یابی همی
این تعین شد حجاب روی دوست	چونکه برخیزد تعین جمله اوست
نیست گردد صورت بالا و پست	حق عیان بینی به نقش هر چه هست
تا تعین برنخیزد از میان	حق نهان است و نخواهد شد عیان

ابو یزید قدس سره فرمود: «إِنْسَلَخْتُ مِنْ جِلْدِي كَمَا إِنْسَلَخْتُ الْحَيَّةُ مِنْ جِلْدِهَا فَإِذَا أَنَا هُوَ» و مراد از جلد، تشخص است.

که عارض حقیقت مطلقه است.

گر برون آیی ز پندار وجود	بر تو گردد دور پرگار وجود ^۴
بی نشان شو از همه نام و نشان	تا ببینی روی جانان را عیان ^۵
سهل شیری دان که صفها بشکند	شیر آزاد آن که خود را بشکند ^۶

امام جعفر رضی الله عنه، در أثناء تلاوت قرآن بیهوش شد. چون باز آمد فرمود: «مَا زِلْتُ أَكْرَرُ آيَةً حَتَّى سَمِعْتُهَا مِنَ الْمُتَكَلِّمِ بِهَا» و شیخ شهاب الدین قدس سره می‌فرماید: «لِسَانِ إِمَامٍ فِي ذَلِكَ وَقْتُ» چون شجره موسی بود که در طور «إِنِّي أَنَا اللَّهُ» گفت.

^۱ هرچه بینی.....اسرار الشهود لاهیجی ص ۲۴۳ بیت شماره ۱۸، به صورت «هرچه دارد در جهان نقش وجود دو جهت دارد چو بگشایی نظر» آمده است.

^۲ ز آن یکی..... اسرار الشهود لاهیجی ص ۲۴۳ بیت های شماره ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴

^۳ گر نداری..... سراینده این بیت شناخته نشد

^۴ گر برون..... منطق الطیر ص ۳۶۴ بیت شماره ۲۹۲۷ مصراع اول این بیت به صورت «چون برون آیی ز پندار وجود» آمده است.

^۵ بی نشان..... اسرار الشهود لاهیجی ص ۲۸۲، بیت شماره ۲۶

^۶ سهل شیری..... مثنوی معنوی دفتر اول ص ۸۴ بیت شماره ۱۳۸۹ مصراع دوم این بیت به صورت: «شیر آنست آن که خود را بشکند» آمده است.

حقیقت: انسان دو است صغیر که تویی و کبیر که تن او عالم اجسام است. و روحش عقل کلی است و قلبش نفس کلیه. و شیخ در فص هودی گوید: «الْعَالَمُ صُورَةُ الْحَقِّ وَ هُوَ رُوحُ الْعَالَمِ الْمُدَبِّرِ لَهُ فَهُوَ الْإِنْسَانُ الْكَبِيرُ».

بیت

حقّ چو جان و جمله عالم چون تن است	همچو خور در کاینات این روشن است ^۱
از کمال قدرتش بین بی شکی	کودو عالم می‌نماید در یکی ^۲
وجه آدم آینه اسما کند	عکس خود در صورتش پیدا کند
در سه گز قالب نماید او عیان	هر چه بود وهست و باشد در جهان

و انسان صغیر در مراتب هستی، خاتم است و ثمره شجره عالم است. «لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ». **حقیقت تجلی** چهار قسم است: اول آثاری که وجود مطلق به صورت بعضی جسمانیات یا جمیع متمثل شود و به صورت انسان اکمل است. و ثانی افعالی که سالک، وجود مطلق را ببیند متصف به صفتی از صفات فعلیه. مثل خالقیه و رازقیه و غیر آن. یا خود را عین وجود متصف به یکی از آن صفات ببیند و اکثر تجلیات افعالی به آنوار ملونه باشد و به همه رنگی نماید، و ثالث صفاتی که وجود مطلق را ببیند متصف به صفات ذاتیه؛ یا خود را عین وجود متصف به آن صفات ببیند. رابع ذاتی که از تجلی، فناء یابد و صاحب تجلی چنان شود که از او اثر نماند و هیچ شعور نداشته باشد و لازم نیست که تجلی در لباس نوری ملون باشد و هر نور لازم نیست که نور تجلی باشد، شاید که نور طاعت یا نور خلق یا نور یکی از انبیاء و اولیاء باشد و علامت تجلی، فناء است باعلم تجلی در حین تجلی، و گواه بر صحت تجلیات از قرآن و حدیث (۱۳- ب) آن است که موسی علیه السلام ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (قصص ۳۰) از درخت شنید، و مصطفی صلی الله علیه و سلم فرمود: «رَأَيْتُ رَبِّي فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ».

آنکه سبحانی همی گفت آن زمان	این معانی گشته بد او را عیان ^۳
هم ازین رو گفت آن بحر صفا	نیست اندر جبهه ام غیر از خدا
آن انا الحق گفت این معنی نمود	گر به صورت پیش تو دعوی نمود
لیس فی الدارین آنکو گفته است	در این معنی چه نیکو سفته است
چون نماند از تویی با تو اثر	بی گمان یابی ازین معنی خبر

^۱ حق چو جان..... گوینده این بیت شناخته نشد

^۲ از کمال..... اسرار الشهود ص ۱۴۵ بیت ۷ و ص ۱۴۶ بیت شماره ۱۰

^۳ آنکه سبحانی..... اسرار الشهود صفحه ۱۴۸ بیت های شماره ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۶

نمونه ای از شرح مظفر الدین شیرازی بر ابیات گلشن راز شیخ محمود شبستری
چنان که گذشت شرح شیخ مظفر بر منظومه گلشن راز نسبتاً مبسوط است، در این راستا و به عنوان
نمونه، هشت بیت باشماره هایی که در منظومه آمده، همراه با شرح آن ابیات در ذیل ذکر می شود
تا خواننده از این شرح بهره ای ببرد.

پنج بیت از آغاز منظومه گلشن راز و شرح شیخ مظفر بر آن:

۱- «به نام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان بر افروخت»

به نام خدا که نفس ناطقه را به طریق الهام سیر معنوی، از ظاهر بباطن و مشاهده واجب در ممکن،
تعلیم کرد و دل صنوبری را از روغن روح حیوانی، مانند چراغی به نور نفس ناطقه، روشن ساخت و
رعایت براءت استهلال، که درین خطبه مرعی است، بر فطن مخفی نخواهد ماند.

۲- «ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیضش خاک آدم گشت گلشن»

از تجلّی رحمانی عام او عالم غیب و شهادت به نور وجود و لوازم آن، روشن شد. از تجلّی رحیمی
خاص او نشئه انسانیّت، مظهر معارف اخلاق گشت.

۳- «توانایی که در یک طرفه العین ز کاف و نون پدید آورد کونین»

قدیری که به یک دفعه از قول کن که اقتضای ظهور است، اعیان ثابتۀ (۱۶- الف) عالم غیب و شهادت
را پیدا کرد؛ یا در آن واحد کونین را بعد از خلع وجود متلبس به لباس وجود ساخت. و ثانی الصق
است به لفظ کونین لیکن. عین بیت یازدهم است^{۴۴}.

۴- «چو قاف قدرتش دم بر قلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد»

چون مبدا قدرت او به نفس رحمانی، ایجاد قلم فرمود قلم نفوس غیر متناهی از اعیان ممکنه بر لوح
عدم رقم کرد؛ چه در جواب سؤال ثانی خواهد آمد که عدم، آینه هستی است و عکس او که در آن
آینه می نماید، عالم است.

۵- «از آن دم گشت پیدا هر دو عالم و ز آن دم شد هویدا جان آدم»

به آن نفس رحمانی، عالم غیب و شهادت، از علم به عین آمد و در آخر، حقیقت جامعۀ انسان پیدا
شد و قوس ظهور، به نقطه وجود او کمال یافت.

سه بیت شامل بر سؤال اول سید حسینی هروی و پاسخ شیخ محمود شبستری بر آن سؤال
و شرح شیخ مظفر الدین

سؤال سید حسینی هروی

۷۰- «نخست از فکر خویشم در تحیر چه چیز است آنکه گویندش تفکر»

جواب شیخ محمود شبستری

۷۱- «مرا گفتی بگو چه بود تفکر کزین معنی بماندم در

تحیر»

۷۲- «تفکر رفتن از باطل سوی حق به جزو اندر بدیدن کلّ مطلق»

شرح شیخ مظفر

تفکر به عرف صوفیه، سیر کشفی است از تعینات وهمیه اعتباریه به جانب حقیقه الحقایق که به کسوت تعینات ظهور کرده و مشاهده حقیقت مطلقه است در مجالی تشخصات و اول فناء فی الله و ثانی بقاء بالله.

نتیجه

شیخ مظفر الدین شیرازی شاگرد ملا جلال الدین دوانی و صدر الدین شیرازی بود و در علم منطق بر استادان خود پیشی گرفت و آثار فراوانی از وی به یادگار مانده است. وی در شیراز زندگی میکرد و به حلب و روم مسافرت کرد و در شهر بروسا در کشور ترکیه سال ۹۲۲ در گذشت. شیخ مظفر آثاری زیاد دارد و مهمترین آثار وی شرح تهذیب المنطق تفتازانی و شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری است که اثر اخیر یکی از مهمترین آثار وی بشمار میرود. وی این شرح را بر مبنای درخواست یکی از اهل شهود نگاشت و به سلطان با یزید عثمانی (م. ۹۱۸ ه. ق) اهدا کرد. چنانکه در مقاله نیز ذکر شد، در این اثر شیخ مظفر قبل از شروع به شرح ابیات گلشن راز به نگاشتن ۲۶ حقیقت عرفانی پرداخته است این شرح نسبتاً مبسوط و به دور از اطناب و ایجاز است. نگاهی به نمونه های حقایق عرفانی و شرح ابیات، بر تبحر وی در حیطه عرفان دلالت دارد و این امر گواه صادقی بر توانایی شیخ در بیان مفاهیم طولانی در قالب الفاظ و عباراتی اندک و موجز است خلاصه است. نسخه های این شرح تقریباً ۲۲ نسخه خطی است که در کتاب خانه های ایران و کشور ترکیه و کشور پاکستان موجود می باشد و قدیمترین و مهمترین آنها دو نسخه است که یکی در کتاب خانه مجلس تهران به شماره ۱۴۹۱۴ ثبت شده است و دیگری نسخه کتاب خانه ایا صوفیه شهر استانبول ، به شماره ۹۱۲ به ثبت رسیده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

منابع آیات قرآن و ترجمات آن

قرآن حکیم، مترجم: طاهره صفار زاده، نوع ترجمه: آیه به آیه، چاپ: اول، انتشارات پارس، ۱۳۸۷ ش.

منابع خطی

- ۱- نسخه خطی شرح مظفر الدین شیرازی بر گلشن راز کتاب خانه مجلس شماره ۱۴۹۱۴
- ۲- نسخه خطی شرح مظفر الدین شیرازی بر گلشن راز کتاب خانه ایا صوفیه شماره ۹۱۲- استانبول - کشور ترکیه
- ۳- نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۱۸۹۷۵ به عنوان شرح گلشن راز
- ۴- نسخه خطی شرح مظفر الدین شیرازی آیه و ان کنتم.... در مجموعه شماره ۸۱۹ (کتابخانه مدرسه مروی- تهران)

۵- نسخه خطی شرح تهذیب المنطق مظفر الدین شیرازی کتابخانه سلیمانیه نسخه خطی به شماره ۰۰۰۸۴۶

۶- نسخه خطی تفسیر شیخ مظفر الدین شیرازی بر آیه «لو كان فيهما...» کتاب خانه سلیمانیه- استانبول- کشور ترکیه

تذکرات و منابع دیگر

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، ۱۰ جلد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ هـ.

۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ۴ جلد، دار سید الشهداء للنشر - قم، چاپ یکم، ۱۴۰۵ هـ

۳. ابن الحنبلی، رضی الدین محمد بن ابراهیم بن یوسف الحلبی (۹۰۸ - ۹۷۱) در الحبيب الجزء الثاني، القسم الأول .

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه غفاری و مستفید، ۲ جلد، نشر صدوق - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۲ ش

۵. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل ونجاح المسائل، بستان دار الکتاب، قم ، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.

۶. ابن عربی، محی الدین، فصوص الحکم، چاپ: دوم، انتشارات الزهراء (س)، ۱۳۷۰ هـ ش.

۷. استادی، رضا، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران- ناشر کتابخانه مدرسه مروی - چاپ خانه خیام- قم - ۱۳۷۱ ش.

۸. آملی سید حیدر، المقدمات من کتاب نص النصوص ، ناشر : انتشارات طوس - چاپ دوم - سال چاپ ۱۳۶۷ هـ ش.

۹. ثریا، محمد، سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانیه، جلد ۴ ، مطبعه عامره- استانبول - ۱۳۰۸ هـ

۱۰. جامی، عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس ، تصحیح و مقدمه: مهدی توحیدی پور- انتشارات محمودی - تهران - چاپ اول ، ۱۳۳۶ ش.

۱۱. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، چاپ یکم، ۱۴۲۷ هـ.

۱۲. حاج سید جواد، سید کمال، اثر آفرینان، انتشارات انجمن آثار ومفاخر فرهنگی - تهران.

۱۳. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، انشارات فردوس- تهران، چاپ: نهم، ۱۳۷۲ ش.

۱۴. شفیع کدکنی محمد رضا، دفتر روشنائی از میراث عرفانی با یزید بسطامی، انتشارات سخن، طهران، چاپ ششم، ۱۳۹۱ ش.

۱۵. شفیع کدکنی، محمد رضا، منطق الطیر عطار نیشابوری، مقدمه، تصحیح وتعلیقات، انتشارات سخن ، چاپ هشتم ، سال ۱۳۸۹ ش.

۱۶. طباطبائی، سید منصور، فهرست مختصر نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، صفحه ۵۰۶ به شماره ۴۷۳۳
۱۷. غزالی ابو حامد، احیاء علوم الدین، ناشر دار الکتاب العربی - بیروت. بی تا
۱۸. غزی نجم الدین، الکواکب السائره، رقم: ۵۳۱، جبرائیل سلیمان جبور - بیروت - دار الأفق الجدیدة - ۱۹۹۷ م
۱۹. قسطنطینی مصطفی بن عبد الله، کشف الظنون، محمد شرف الدین یالتقایا، وكالة المعارف الجلیلة - سال ۱۳۶۲ هـ - ۱۹۴۳ م
۲۰. کبری زاده، طاش، الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، تصحیح وتحقیق سید محمد منصور طباطبائی - پایان نامه دکتري زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۸۴ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب - حسینی همدانی نجفی، محمد، درخشان پرتوی از اصول کافی، چاپخانه علمیہ قم - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۳ ش
۲۲. لاهیجی، محمد بن یحی، مثنوی اسرار الشهود، تصحیح دکتر برات زنجانی - ناشر مؤسسه انتشارات امیر کبیر - چاپ: اول - ۱۳۶۵ ش.
۲۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ هـ.
۲۴. مصطفی بن عبد الله العثماني المعروف بكاتب چلبی وحاجی خلیفه، سلم الوصول إلى طبقات الفحول المجلد الثاني، اشراف وتقديم اكمل الدين احسان اوغلی - تحقیق محمود عبد القادر الآرناؤوط، تدقیق صالح سعید اوی صالح، اعداد الفهارس صلاح الدین اویغور - استانبول ۲۰۱۰ م
۲۵. مکی ابوطالب، قوت القلوب، ناشر دار الكتب العلمیة بیروت - چاپ اول - سال چاپ ۱۴۱۷ ق.
۲۶. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، مثنوی معنوی: مطابق با نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسون / مولانا جلال الدین محمد مولوی، با مقدمه فروزانفر - تهران - ۱۳۷۵.